

## فرا تحلیل عوامل موثر بر ادغام اقتصادی - اجتماعی مهاجران ایرانی در جوامع مقصد با تأکید بر سرمایه انسانی

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/jeds.2022.50072.1616

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

مریم سهرابی<sup>۱</sup>  
حسین اکبری<sup>\*۲</sup>  
غلامرضا صدیق اورعی<sup>۳</sup>  
رسول صادقی<sup>۴</sup>

### چکیده

گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی، بیش از پیش بر اهمیت موضوع ادغام اجتماعی و اقتصادی مهاجران افزوده است. امروزه جوامع با جمعیت قابل‌ملاحظه‌ای از مهاجران، تازه‌واردان و پناهندگان روبرو هستند. در سال‌های اخیر، با توجه به اهمیت ادغام مهاجران، تحقیقات متعددی در این حوزه انجام شده است. با در نظر گرفتن فراوانی و تنوع تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، نیاز به انجام تحقیقات ترکیبی نظیر فراتحلیل در این حوزه احساس می‌شود. اصلی‌ترین سؤال پژوهش حاضر این است که در تحقیقات انجام شده چه عناصری از سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران ایرانی در جوامع مقصد بیشترین تأثیر را می‌گذارد؟ روش تحقیق پژوهش حاضر، فراتحلیل می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل همه‌ی مقالات معتبر علمی هستند که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ با موضوع ادغام مهاجران ایرانی منتشر شده‌اند. در نهایت ۳۳ مطالعه انتخاب و با نرم‌افزار جامع فراتحلیل (CMA۲)، مورد مطالعه قرار گرفتند.

نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای تحصیلات، مهارت‌های زبانی و مدت اقامت، به نسبت سایر متغیرها، تأثیر زیادی بر ادغام مهاجران ایرانی دارند. نتایج اندازه اثرات نشان می‌دهد که رابطه تحصیلات و ادغام مهاجران ایرانی، معادل ۰/۲۳ می‌باشد. رابطه مهارت‌های زبانی و ادغام مهاجران ایرانی در تحقیقات مرور شده حدود ۰/۱۷ است. نتایج اثرات ترکیبی نشان می‌دهد که رابطه مدت زمان اقامت و ادغام مهاجران ایرانی معادل ۰/۱۶ است. همچنین تأثیر عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران ایرانی برحسب دو متغیر تعدیل‌گر دوره‌های زمانی و کشورهای مقصد مهاجرت بررسی گردید.

**واژگان کلیدی:** ادغام، سرمایه انسانی، مهاجران ایرانی، فراتحلیل.

## مقدمه

ادغام مهاجران همواره به‌عنوان یک موضوع سیاسی و عام محل بحث بوده است، گرچه در مباحث علمی نیز کمابیش موردعلاقه و تفحص می‌باشد. همه مهاجرت‌های بین‌المللی از لحاظ علل و پیامدهای ادغام اقتصادی مهاجران و به‌ویژه از نظر توسعه اقتصادی هم در کشورهای مبدأ و هم در کشورهای مقصد دارای اهمیت است (کاستلز و میلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲۷). در جهان امروز مهاجرت بیش از پیش و با الگوهای نوینی در حال رخداد است. از این روی توجه به نیازهای مهاجرین و مواضع جامعه‌ی میزبان به طرز فزاینده‌ای جای خود را در برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و درازمدت کشورها باز کرده است. مهم‌ترین نیازهای مهاجرین، نیازهای اولیه‌ی زنده ماندن، فرصت‌های شغلی و بهره‌مندی از خدمات است (رضا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶۴).

مهاجرت و تنوع جمعیتی علیرغم اینکه زمینه‌ساز فرصت‌های متقابل و قابل تحصیل برای مهاجرین و جامعه میزبان است، اما این امکان نیز وجود دارد که گروه‌های مهاجر پس از مهاجرت به میزان قابل قبولی در جامعه‌ی میزبان پذیرفته نشوند و برای سکنی‌گزینی با مشکل و برای اشتغال با محدودیت مواجه شوند و اصطلاحاً در جامعه‌ی جدید ادغام نگردند (ولید<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۱۰۶). شورای آینده‌ی جهانی مهاجرت<sup>۳</sup>، مهم‌ترین مسئله‌ی مهاجرت را در ده سال اخیر، ادغام جمعیت بی‌جا شده و مهاجران<sup>۴</sup> ذکر می‌کند. مهاجران پیوسته از مسائلی همچون مشکلات زبانی و لهجه، موانع اشتغال و محدودیت‌های مربوط به دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل، تفاوت‌های فرهنگی، تبعیض نژادی<sup>۵</sup>، طرد و انزوا رنج می‌برند (پنیکس و گریسیز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶: ۱۴).

ادغام به معنای ترکیب و همانندسازی و درآمیختگی گروه‌های جمعیتی متفاوت در جامعه میزبان است که منجر به انسجام اجتماعی و یکپارچگی خواهد شد. ادغام اجتماعی فرایند ایجاد ارزش‌ها، روابط و نهادهایی است که برای خلق یک جامعه‌ی پویا و عادلانه ضروری‌اند. جامعه‌ای که در آن همه‌ی افراد صرف‌نظر از نژاد، جنس، زبان و دینشان می‌توانند به‌طور کامل و در شرایطی برابر، حقوق و وظایف خود را به کار گیرند و با بقیه افراد مشارکت کنند. ادغام اجتماعی در برگیرنده‌ی روابط اجتماعی فرد مهاجر، بزرگی شبکه روابط وی (تعداد دوستان و بستگان) و میزان تماس<sup>۷</sup> وی با آن‌هاست. در واقع، پیوندهای اجتماعی<sup>۸</sup> فعال فرد نشانگر جای‌گیری<sup>۹</sup> در روابط یا بالعکس انزوای<sup>۱۰</sup> فرد در روابط است (شواتزر<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۴: ۴۸). بلاو<sup>۱۲</sup> و

1. Castles and Miller
2. Valade
3. Global Future Council on Migration
4. The integration of displaced populations and immigrants
5. ethnic discrimination
6. Penninx & Garcés
7. Frequency of contact
8. Social ties
9. Embeddedness
10. Isolation
11. Schwarzer
12. Blau et al

همکاران (۲۰۱۱) مدعی اند که ادغام اجتماعی- اقتصادی مهاجران متضمن موقعیت اجتماعی آنها در جامعه میزبان است؛ الگوهای تشکیل خانواده و رفتارهای باروری و همسرگزینی، سطح آموزش، برخورداری از امکانات و خدمات و نیز وضعیت آنها در بازار کار در زمره‌ی این نوع ادغام‌اند. حال آنکه ادغام فرهنگی دال بر روابط غیررسمی میان مهاجرین و بومیان است و به میزان انطباق مهاجران با استانداردها و ارزش‌های اخلاقی جامعه میزبان راجع است. با وجود این تفاوت، رابطه‌ی میان این دو نوع ادغام غیرقابل اغماض است. خاستگاه فرهنگی مهاجران در سرعت ادغام آنها در بازار کار تعیین کننده است.

اهمیت مطالعه حاضر در این است که عدم ادغام اقتصادی و اجتماعی مهاجران چالش‌های اساسی و مهمی را متوجه جامعه میزبان می‌کند. طرد اجتماعی<sup>۱</sup> با ایجاد فضایی متخاصم<sup>۲</sup> و ناآرام ناآرام تهدیدی برای پیوستگی اجتماعی<sup>۳</sup> جامعه‌ی میزبان به حساب می‌آید. از مهم‌ترین نشانه‌های وجود شکاف مهاجر-بومی و ادغام نشدگی مهاجران، سطح اعتماد و قدرت ریسک پایین (حتی در نسل‌های بعدی) است. همچنین آنها خود را اهل آن شهر یا کشور نمی‌دانند (آلگان<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). جوامع (به‌خصوص جوامعی که رویکرد ضد مهاجرتی<sup>۵</sup> دارند) بیشتر به به مخاطرات اقتصادی مهاجرت که بر اثر رقابت‌های اقتصادی مهاجران برای رفاه اجتماعی ایجاد می‌شود توجه دارند (شیف و اسلاتر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ مایدا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). با این وجود، افراد جامعه میزبان بیشتر به تأثیرات اجتماعی مهاجرت بر جامعه خود توجه می‌کنند. داستین<sup>۸</sup> و پرستان<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) اذعان می‌دارند که در بریتانیا مخالفت با مهاجرت، با تعصبات نژادی رابطه‌ی نزدیکی دارد و نه صرفاً با نگرانی درباره‌ی هزینه‌های مالی<sup>۱۰</sup> و رقابت‌های بازار کار؛ اما در حقیقت تبعیض قائل شدن درباره‌ی مهاجران ملغمه‌ای از انواع عوامل اقتصادی (در بازار کار و دولت‌های رفاه) و عوامل اجتماعی (به‌خصوص درباره‌ی مهارت<sup>۱۱</sup>) رخ می‌دهد. افزون بر شرایط دستمزد، اشتغال و آموزش رسمی مهاجران ادغام اجتماعی و موانع آن را نیز باید مدنظر قرار داد. چرا که مشخص ساختن عوامل تسهیل کننده<sup>۱۲</sup> و همچنین گُند کننده‌ی<sup>۱۳</sup> ادغام در ابعاد اقتصادی و اجتماعی هم برای شرایط اقتصادی و رفاه مهاجران و هم برای جوامع میزبان تعیین کننده است (گاتمن<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۱۲).

1. Social exclusion
2. Hostility
3. Social cohesion
4. Algan
5. Anti-immigrant attitudes
6. Scheve and Slaughter
7. Mayda
8. Dustmann
9. Preston
10. Fiscal costs
11. Low-skilled
12. Facilitating
13. Hindering
14. Gathmann

ایرانیان یکی از گروه‌های مهاجرتی مهم در چند دهه اخیر می‌باشند. داده‌های بانک جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) درباره مهاجران ایرانی نشان می‌دهد که تعداد کل مهاجران ایرانی در کشورهای دیگر در سال ۲۰۰۰ حدود ۱/۱ میلیون نفر بودند که این میزان در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹ به ترتیب به ۱/۵ و ۱/۹ میلیون نفر رسیده است. همچنین، گزارش آزادی و همکاران (۲۰۲۰) درباره مهاجرت و فرار مغزها از ایران<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که نرخ مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور بر جمعیت کل ایران در سال ۱۹۹۰ حدود ۲/۴ درصد بوده است که این میزان در سال ۲۰۰۰ به ۲/۶ درصد افزایش یافته است. همچنین این نرخ در سال ۲۰۱۰ حدود ۳ درصد بود که در سال ۲۰۱۹ به ۳/۸ درصد افزایش پیدا کرده است. آمارهای این گزارش شامل مهاجرت‌های دائمی و غیردائمی می‌شود. بیشتر مقصد مهاجرت هم ابتدا کشورهای آمریکای شمالی و سپس اروپایی می‌باشد. با توجه به این آمارها می‌توان گفت که میزان مهاجرت‌های بین‌المللی ایرانیان به کشورهای دیگر بالاست و این روند در دو دهه اخیر با رشد همراه بوده است.

یکی از نکاتی که ذهن متخصصان حوزه مهاجرت و ادغام را به خود مشغول کرده است میزان ادغام مهاجران ایرانی در کشورهای مقصد می‌باشد. ادغام شدن برای برخی مهاجران ایرانی دارای فرهنگ غنی و هویت ملی و مذهبی بالا شاید با مشکل همراه باشد. همچنین تحصیلات و مهارت‌های تخصصی همه‌ی مهاجران ایرانی در یک سطح نیست و این شرایط مشارکت در بازار کار کشورهای مقصد را با تردید روبرو می‌کند. بنابراین، بررسی میزان ادغام مهاجران و تأثیر سرمایه انسانی بر آن دارای اهمیت است.

اهمیت این امر سبب شده است که پژوهشگران اجتماعی در سال‌های اخیر به موضوع ادغام مهاجران، به‌خصوص مهاجران ایرانی، علاقه‌مند شوند و برنامه پژوهشی مشخصی پیرامون این موضوع شکل بگیرد. مطالعات صورت گرفته در این حوزه نیز به خوبی مؤید توجه محققان به مسئله ادغام مهاجران بوده است. در واقع، این حوزه در چند سال اخیر ذهن بسیاری از محققان را به خود معطوف داشته است و صاحب‌نظران سعی داشته‌اند که با دید علمی به موضوع ادغام مهاجران بنگرند. توجه به موضوع ادغام مهاجران، منجر به تزاید میزان تحقیقات علمی در این حوزه در چند دهه گذشته شد، به طوری که جامعه علمی با اطلاعات وسیع و انباشته‌ای در باب ابعاد سبب‌شناختی مواجه گردیده است. در این حوزه به دلیل تعدد تحقیقات موجود و تکثر عوامل مؤثر بر ادغام مهاجران، یک آشفتگی و ابهام درباره عامل یا عوامل مهم مؤثر بر ادغام مهاجران وجود دارد. لذا در این مقاله سعی شده با بررسی دقیق و موشکافه تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، چکیده و ماحصل آن‌ها به صورت نظام‌مند نشان داده شود تا یک نتیجه‌گیری کلی از چگونگی تأثیر عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران در اختیار برنامه‌ریزان این حوزه قرار

1. World bank

2. Migration and Brain Drain from Iran

بگیرد. تحقیق حاضر به فراتحلیل<sup>۱</sup> تحقیقات انجام شده در حوزه ادغام مهاجران ایرانی پرداخته و کوشیده است به این سؤال پاسخ دهد که چه عناصری از سرمایه انسانی بیشترین تأثیر را بر ادغام مهاجران ایرانی در جوامع مقصد (میزبان) دارند؟

### چارچوب نظری: نظریه سرمایه انسانی و ادغام مهاجران

کوپر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در بررسی مراحل انجام فراتحلیل، اشاره می‌کند که در قسمت پیشینه تحقیق بیشتر به نظریات و تحقیقاتی اشاره شود که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی در فراتحلیل را نشان می‌دهند تا خواننده در ابتدا درک کلی از مهم‌ترین نظریاتی که در این حوزه وجود دارد، پیدا کند. در همین راستا، در این قسمت از تحقیق حاضر، به نظریه سرمایه انسانی و تأثیر آن بر ادغام مهاجران اشاره می‌گردد.

سرمایه انسانی مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، تجربه‌ها و ویژگی‌های مرتبط با سلامت جسمانی و روانی است که به توانایی فرد برای انجام کار به گونه‌ای که ارزش اقتصادی تولید می‌کند، کمک می‌نماید. هرچند تحصیلات و سلامت شاخص‌های کلیدی هستند که سرمایه انسانی را بهبود می‌بخشند ولی این مفهوم خصوصیات دیگری مثل مهارت، تجربه، خلاقیت و شخصیت را شامل می‌شود (اید و شوالتر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ ۲۸۶). این مفهوم از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ میلادی توسط محققان مختلف (مثل شوتز<sup>۴</sup>، ۱۹۶۱؛ بکر<sup>۵</sup>، ۱۹۶۴؛ فیتز آنز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰) توسعه پیدا کرد.

نظریه سرمایه انسانی در مطالعات مرتبط با عملکرد<sup>۷</sup> بازار کار مهاجران مثل مشارکت در بازار کار (بیولندر و ویمن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴) درآمد (ژو و لوگان<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹)، پایگاه شغلی (رایجمن و سمیونوف<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۵) و سابقه کاری مهاجران (آگیلرا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳) مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، می‌توان گفت که بیشتر مطالعات پیشین، سرمایه انسانی را با استفاده از تحصیلات، تجربه در بازار کار، مدت اقامت و مهارت زبانی<sup>۱۲</sup> بررسی کردند (آگیلرا، ۲۰۰۳؛ کاناس<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ بویون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۴). براساس نظریه سرمایه انسانی، افرادی که استعداد، مهارت و توانایی بیشتری داشته باشند، با احتمال بالاتری در بازار کار شاغل می‌شوند. این بدین معنی است که افراد با

1. Meta-Analysis
2. Cooper
3. Eide & Showalter
4. Schultz
5. Becker
6. Fitz-enz
7. performance
8. Bevelander and Veenman
9. Zhou and Logan
10. Raijman and Semyonov
11. Aguilera
12. language proficiency
13. Kanas
14. Byoun

تحصیلات، تجربه کاری و مهارت‌های زبانی بالا احتمال بیشتری دارد که جذب بازار کار شوند (یوسل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۱۱).

با این وجود، برخی از مطالعات پیشین نشان می‌دهند که مهاجران با تحصیلات و تجربه کاری بالا، نسبت به بومیان یک کشور یا منطقه با تحصیلات و تجربه کاری مشابه، نرخ بیکاری بیشتری دارند (چیسویک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ زنگ و زی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). برای تبیین تبعیض‌های قومی در مهاجران، محققان یک تمایزی بین سرمایه انسانی افراد جامعه میزبان (بومیان) و افراد مهمان (مهاجران) در حوزه‌ی اقتصاد مهاجران ایجاد کردند (فریدبرگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰: ۲۹۱). به‌طور اساسی، مشکل اصلی مشارکت در بازار کار توسط مهاجران این است که آن‌ها فاقد مهارت‌های خاص جامعه میزبان که بازار کار آن جامعه نیاز دارد، می‌باشند. محققان مهارت‌های خاص جامعه میزبان را به معنای تحصیلات و تجربه کاری در جامعه میزبان معنی کردند. آن‌ها مدعی‌اند که تحصیلات و تجربه‌ی کاری که مهاجران در کشورهای خودشان به دست آوردند، در برخی اوقات کم ارزش و فاقد انتقال و همتاسازی در جامعه میزبان است. بنابراین، کارفرمایان ممکن است نسبت به مهارت‌های مهاجران و کارایی آن‌ها در جامعه میزبان دچار عدم اطمینان بیشتری باشند (کاناس و توبرگن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹: ۸۹۶). در ادامه به برخی از عناصر مهم این نظریه اشاره می‌شود:

**تحصیلات:** اگرچه تحصیلات یک عامل مهم در پایگاه شغلی افراد است ولی اثرات آموزش رسمی در جامعه اولیه مهاجران کمتر و ضعیف‌تر از آموزش رسمی در جامعه میزبان است (کوهن و بیانچی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹: ۲۷). یکی از دلایل این است که این آموزش‌ها به سختی به بازار کار جامعه میزبان منتقل می‌شوند یا از نظر کیفیت در سطح ضعیف و پایینی قرار دارند (فریدبرگ، ۲۰۰۰؛ کاناس و توبرگن، ۲۰۰۹). همچنین، آموزش‌های رسمی که بازار کار جامعه میزبان به آن نیاز دارد، نه تنها توسط کارفرمایان بهتر مورد قبول قرار می‌گیرد، بلکه با نیازهای بازار کار جامعه میزبان هماهنگی و تطابق بیشتر دارد (بویون، ۲۰۱۴: ۱۵).

**تجربه کاری:** مشابه آموزش و تحصیلات رسمی، تجربه کاری مهاجران در کشورهای خودشان اغلب در کشورهای میزبان مهاجران کم ارزش در نظر گرفته می‌شود (بویون، ۲۰۱۴: ۱۶). همچنین مهارت‌ها و تجربیات بازار کار که مهاجران در کشورهای خودشان داشتند، قابل انتقال و تطبیق دادن در جامعه میزبان و مقصد مهاجران نمی‌باشد (بییتس<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷؛ نی و سندرز، ۲۰۰۱). بدین معنی که انتظار نمی‌رود این افراد به‌عنوان بومیان در بازار کار کشور میزبان، حتی

---

1. Yücel  
2. Chiswick  
3. Zeng and Xie  
4. Friedberg  
5. Kanas and Tubergen  
6. Cohen and Bianchi  
7. Bates

اگر کارگر ماهری در کشور خودشان باشند، از تولید و بهره‌وری برخوردار باشند. بنابراین، در مقایسه با بازار کار کشور خودشان، احتمال کمتری وجود دارد که آن‌ها در کشور میزبان مشغول کار شوند (بیولندر، ۱۹۹۹؛ ماتو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). تجربه و مهارت شغلی که در کشورهای میزبان به دست می‌آید، احتمال تطابق با نیازها و انتظارات بازار کار کشور میزبان را افزایش می‌دهد (زنگ و زی، ۲۰۰۴: ۱۰۷۶). بنابراین، دستیابی به تجربه مرتبط با کار و گواهینامه‌های مقتضی در جامعه میزبان، مشارکت شغلی مهاجران را در بازار کار افزایش می‌دهد (برتسبرگ و راگان، ۲۰۰۲؛ فریدبرگ، ۲۰۰۰).

• **مهارت‌های زبانی:** از نظر فیناین و منگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، مهارت‌های زبانی به‌عنوان یکی دیگر از عناصر سرمایه انسانی مفهوم‌بندی شده است. برخی از مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مهارت‌های زبانی، فرصت‌های شغلی و پایگاه اقتصادی مهاجران را ارتقا می‌دهد (چیسویک و میلر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵؛ داستمن و ون سویست<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). کاناس (۲۰۱۱) مدعی است که مهارت‌های زبانی زبانی کشور میزبان یک مهارت قدرتمند و مؤثر در بین عناصر سرمایه انسانی است که می‌تواند در مشارکت بازار کار مهاجران تعیین‌کننده باشد. هرچند اکثریت مهاجران زبان مادری متفاوتی نسبت به زبان رسمی کشورهای میزبان مهاجران دارند. بنابراین، مهارت ضعیفی در زبان رسمی کشورهای میزبان دارند. همچنین باید گفت که مهارت‌های زبانی کشورهای مبدأ ارزش اندکی در بازار کار کشورهای میزبان و مقصد دارد (اسپنشد و فو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ ون توبرگن و کالمین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). باید خاطر نشان کرد که از اثرات زبانی کشورهای مبدأ مهاجرت در مشارکت در بازار کار مهاجران در جوامع با قومیت‌های مشابه نباید غافل شد. در صورتی که آن‌ها تجارت خود را داشته باشند، مهارت زبان کشور مبدأ می‌تواند یک مزیت واقعی در جامعه با قومیت مشابه ایجاد کند. چون آن‌ها معمولاً با کارمندان، مشتریان و تجار قومیت خودشان در جامعه تماس و ارتباط برقرار می‌کنند (ایوانز<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹: ۹۵۵).

**سلامت:** بلیکلی<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) مدعی است که سلامت افراد می‌تواند باعث افزایش سرمایه انسانی و متعاقباً افزایش تولید و درآمد شود. شناسایی این تأثیر و اهمیت از طریق بررسی کاهش تولید و درآمد افراد شاغل در زمان بیماری یا افزایش تولید و درآمد پس از درمان میسر خواهد بود. به‌طور مثال، شاپیرو<sup>۹</sup> (۱۹۱۹) نشان می‌دهد پس از درمان یک بیماری پوستی شایع در

---

1. Matto  
2. Finnie and Meng  
3. Chiswick and Miller  
4. Dustman and Van Soest  
5. Espenshade and Fu  
6. Van Tubergen and Kalmijn  
7. Evans  
8. Bleakley  
9. Schapiro

کارگران مزارع در کاستاریکا، بهره‌وری آن‌ها افزایش یافت. بیشتر کارگران در ابتدا به این بیماری پوستی مبتلا شدند. بهره‌وری شش ماه پس از درمان ۱۵ تا ۳۰ درصد بیشتر بود و سطح زیر کشت در سال بعد ۵۰ درصد افزایش یافت. ویزبرود<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۷۳)، به‌طور متناوب، اثرات منفی بیماری‌های انگلی مختلف بر درآمد کارگران سنت لوئیس را دریافت. توماس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۳) در یک تحقیق آزمایشی به بررسی تأثیر مکمل‌های آهن در بهره‌وری کارگران اندونزیایی پرداختند. آن‌ها دریافتند که کارگران پس از دریافت مکمل‌های آهن، درآمد و بهره‌وری‌شان افزایش می‌یابد. نتایج تحقیقات مختلف (هیلدبرانت و مک‌کنزی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ کلاگمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) نشان می‌دهد که مهاجران با حضور در جامعه مقصد، در شرایط بهتری از نظر سلامت و بهداشت کار می‌کنند و از این طریق می‌توانند درآمد و بهره‌وری خود را افزایش دهند. همچنین این مهاجران با درآمدی که دارند می‌توانند مراقبت‌های بهداشتی و آموزش بهتری برای اعضای خانواده خود فراهم نمایند و از این طریق بر ادغام مهاجران نسل دوم تأثیر بگذارند (ادواردز و اورتا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ یانگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

به‌طور کلی، درباره رویکردهای نظری باید بیان کرد که براساس نظریه سرمایه انسانی، افرادی که استعداد، مهارت، سلامت و توانایی بیشتری داشته باشند، با احتمال بالاتری در بازار کار شاغل می‌شوند. این بدین معنی است که افراد با تحصیلات، سلامت، تجربه کاری و مهارت‌های زبانی بالا احتمال بیشتری دارد که جذب بازار کار شوند. بیشتر مطالعات پیشین در مورد سرمایه انسانی (وارگاس سیلوا و فرناندز رینو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹؛ یانگ<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸؛ کوشنیروویچ<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸؛ رضا و همکاران، ۲۰۱۳؛ اکبری، ۲۰۱۱؛ بوزدوگان و هالی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹؛ کان<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳؛ میرزایی، ۱۳۹۹؛ علاالدینی و میرزایی، ۱۳۹۷) با استفاده از تحصیلات، سلامت، تجربه در بازار کار، مهارت زبانی، مدت اقامت و سن مهاجران نشان دادند که هرچه مهارت‌های سرمایه انسانی مهاجران بالاتر باشد، ادغام آن‌ها در بازار کار جامعه میزبان بهتر اتفاق می‌افتد. همچنین نتایج دیگر تحقیقات مثل بیک و فلایشمن<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۹)، بیلدو و وایت<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۶)، کاظمی‌پور و نخعی (۲۰۱۴)، مرالی و وایلیتو<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۲) و کاتلین<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که عناصر سرمایه انسانی بر جنبه‌های اجتماعی ادغام مهاجران (پیوند با جامعه میزبان و احساس هویت در جامعه میزبان) تأثیرگذار است.

1. Weisbrod
2. Thomas
3. Hildebrandt & McKenzie
4. Klugman
5. Edwards & Ureta
6. Yang
7. Vargas-Silva & Fernández-Reino
8. Kushnirovich
9. Buzdugan & Halli
10. Kahn
11. Beek & Fleischmann
12. Bilodeau & White
13. Merali & Violato
14. Kathleen



## روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، فراتحلیل<sup>۱</sup> می‌باشد. فراتحلیل مجموعه‌ای از روش‌های آماری، برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه، با هدف تولید یک خلاصه کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص می‌باشد (لیپسی و ویلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۳). این روش در حوزه‌هایی از علم که انباشت انباشت دانش زیادی اتفاق افتاده، استفاده می‌شود تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر یک عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از تحقیقات بسنجد (لیتل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸: ۲). در فراتحلیل، ابتدا پیشینه موضوع مورد مرور نظام‌مند<sup>۴</sup> قرار می‌گیرد تا مشخص شود برای بررسی موضوع تحقیق در تحقیقات پیشین از چه روش‌ها و ابزارهای جمع‌آوری داده استفاده شده است و این مطالعه نیز ابتدا با روش مرور نظام‌مند، از نظر انواع روش تحقیق مقالات و نحوه‌ی سنجش متغیر وابسته بررسی شدند. بعد از مرور نظام‌مند، اندازه‌ اثر<sup>۵</sup> هر یک از متغیرها بررسی شده است. اندازه‌ اثر آماره‌ای است که اهمیت اثر آزمایشی یا شدت رابطه بین دو متغیر را منعکس می‌کند. ابتدا اندازه اثر هر مطالعه محاسبه می‌گردد و سپس اندازه‌ی اثر مطالعات مختلف با هم مقایسه می‌شوند و در نهایت اندازه اثر کلی رابطه بین دو متغیر یا اثر آزمایشی در چند مطالعه محاسبه می‌شود تا درباره تأثیرگذاری آن اثر آزمایشی یا رابطه بین دو متغیر نتیجه‌گیری شود (برون‌استین<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۱). در این تحقیق نیز مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه‌ اثر تبدیل و در نهایت، اندازه‌ اثرها با هم ترکیب و تفسیر گردید.

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه مقالات مرتبط با موضوع «سرمایه انسانی و ادغام مهاجران ایرانی» است که در مجلات علمی پایگاه‌های معتبر از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۹ چاپ شده‌اند. جستجو برای یافتن مقالات در پایگاه‌های ساینس دایرکت، تیلور و فرانسیس، سیج، وایلی، اشپرینگر و پاب‌مد<sup>۸</sup> صورت گرفت. شرط انتخاب مقالات بدین‌صورت بود که مقالاتی که عنوان آن‌ها درباره سرمایه انسانی و ادغام مهاجران ایرانی بوده، انتخاب شده‌اند. حدود ۵۱ مقاله با این شرط پیدا شد که بعد از بررسی و اعمال معیارهای ورود مطالعات به فراتحلیل (مثل کمی بودن مطالعات و گزارش آماره‌های مقتضی برای فراتحلیل)، در نهایت ۲۳ مقاله مرتبط با موضوع تحقیق از مجلات علمی معتبر در مذکور انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند.

1. Meta-analysis

2. Lipsey & Wilson

3. Littlel

4. Systematic review

5. Pigott

6. Effect size

7. Borenstein

8. Science direct, Taylor & Francis, Sage, John Wiley, Springer and PubMed

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از برنامه فراتحلیل جامع<sup>۱</sup> برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده گردید. بدین صورت که آزمون‌های آماری استفاده شده (ضرایب همبستگی و تأثیر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران) در فرضیه‌ها پس از تبدیل به اندازه اثر از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف<sup>۲</sup>، با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتز و اشمیت<sup>۳</sup> مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱). در این تحقیق به بررسی متغیرهای تعدیل‌گر<sup>۵</sup> هم پرداخته شد. متغیر تعدیل‌گر در فراتحلیل به صورت رابطه بین متغیر مستقل و وابسته (مثل اندازه اثر) برحسب سطوح مختلف ویژگی‌های واسطه یا تعدیل‌گری تعریف می‌گردد (کارده<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱).

جدول شماره ۱: توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آمارها (کوهن، ۱۹۷۷)

مقدار d	مقدار r	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۳	اندازه اثر کم
از ۰/۵ تا ۰/۸	از ۰/۳ تا ۰/۵	اندازه اثر متوسط
۰/۸ و بیشتر	۰/۵ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

## یافته‌ها

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که به‌طور کلی از سه روش تحقیق در مطالعات مرور شده استفاده شده است. روش پیمایش مقطعی با ۱۶ مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. بعد از آن روش پیمایش پانلی و طولی با ۴ مورد در مرتبه بعدی قرار دارد. روش تحقیق سری زمانی با ۳ مورد دارای کمترین استفاده می‌باشد. درباره کشورهای میزبان مهاجران ایرانی در مطالعات مرور شده باید بیان کرد که کشورهای اروپایی با ۱۵ مورد بیشترین میزان را در مطالعات مرور شده به خود اختصاص دادند. بعد از آن، کشورهای آسیایی و استرالیا و کشورهای آمریکای شمالی هر کدام به‌طور مجزا با ۴ مورد دارای بیشترین میزان می‌باشند. درباره دوره زمانی انجام تحقیق این جدول نشان می‌دهد که حدود یک سوم تحقیقات مرور شده (۸ مورد) در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ انجام شده و حدود دو سوم تحقیقات (۱۵ مورد) در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ انجام شده است. دستیابی به شغل و درآمد مناسب شایع‌ترین شاخص سنجش ادغام اقتصادی-اجتماعی مهاجران ایرانی بوده است. بعد از آن شاخص‌های پیوند با جامعه میزبان و خوداشتغالی در رده‌های بعدی قرار دارند.

1. Comprehensive meta-analysis
2. Wolf
3. Hauntes and Schmite
4. Cohen
5. Moderator
6. Card

درباره متغیرهای مستقل هم باید بیان کرد که بیشترین تکرار متغیر مستقل به تحصیلات مربوط می‌شود. این متغیر در ۱۸ مورد مطالعات مرور شده به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بعد از این متغیر، متغیر سن مهاجران با ۱۵ مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. متغیرهای مهارت‌های زبانی و مدت اقامت هر کدام با ۱۱ مورد درصد در رده‌های بعدی قرار دارند.

جدول شماره ۲: توصیف ویژگی مطالعات مرور شده

تعداد	مولفه‌های هر ویژگی	ویژگی مطالعات مرور شده
۱۶	پیمایش مقطعی	روش تحقیق
۴	پیمایش پانلی- طولی	
۳	سری زمانی	
۲۳	جمع کل	کشورهای میزبان مهاجران ایرانی
۱۵	اروپا	
۴	آسیا و اقیانوسیه	
۴	امریکای شمالی	
۲۳	جمع کل	دوره زمانی انجام تحقیق
۸	۲۰۰۹ تا ۲۰۰۰	
۱۵	۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹	
۲۳	جمع کل	شاخص‌های ادغام مهاجران
۱۵	دستیابی به شغل و درآمد مناسب	
۳	پیوند با جامعه میزبان	
۳	خوداشتغالی	
۲	تجربه تبعیض	متغیرهای مستقل
۲۳	جمع کل	
۱۸	تحصیلات	
۱۵	سن مهاجران	
۱۱	مهارت‌های زبانی	
۱۱	مدت اقامت	

یافته‌های جدول ۳ اندازه اثرات متغیرهای مستقل بر ادغام مهاجران را نشان می‌دهد. در متغیر تحصیلات، نتایج آزمون ناهمگنی حکایت از معناداری این آزمون دارد، که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی ناهمگون‌اند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع، این آزمون به ما می‌گوید که ۱۸ مطالعه مربوط به رابطه تحصیلات و ادغام مهاجران، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات متفاوت‌اند.

نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه تحصیلات و ادغام مهاجران، در ۱۸ مطالعه بررسی شده معادل  $0/23$ ، مثبت و معنادار می‌باشد. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن (جدول ۱)، اندازه اثر بین تحصیلات و ادغام مهاجران در ۱۸ مطالعه در حد کم می‌باشد.

معناداری آزمون ناهمگنی برای رابطه مهارت‌های زبانی و ادغام مهاجران در ۱۱ مطالعه نشان می‌دهد که اندازه اثرات تصادفی متغیر مهارت‌های زبانی بر ادغام مهاجران در حد  $0/17$  مثبت، معنادار و در حد کم می‌باشد.

اندازه اثرات رابطه مدت اقامت با ادغام مهاجران در حد  $0/16$ ، مثبت، معنادار و در حد کم می‌باشد. همچنین نتایج تأثیر سن مهاجران بر ادغام نشان می‌دهد که اندازه اثرات تصادفی سن بر ادغام در حد  $0/12$ ، منفی، معنادار و در حد کم می‌باشد.

جدول شماره ۳: اندازه اثرات عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران

آماره‌ها	تعداد مطالعه	اثرات ترکیبی ثابت	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	آزمون همگنی
تحصیلات	۱۸	$0/26^*$	$0/25-0/27$	$0/23^*$	$0/18-0/28$	$1348/8^*$
مهارت‌های زبانی	۱۱	$0/18^*$	$0/15-0/19$	$0/17^*$	$0/13-0/20$	$22/5^*$
مدت اقامت	۱۱	$0/14^*$	$0/13-0/15$	$0/16^*$	$0/13-0/20$	$129/2^*$
سن مهاجران	۱۵	$-0/12^*$	$-0/11$	$-0/12^*$	$-0/10$ $-0/14$	$25/3^*$

\* معناداری در سطح کمتر از  $0/05$  وجود دارد.

همان‌طور که در قسمت روش اشاره شد، علاوه بر محاسبه اندازه اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته در مطالعات مرور شده، این اندازه اثرات برحسب خصوصیات مطالعات در قالب متغیرهای تعدیل‌گر موردبررسی قرار می‌گیرند. جدول ۴ اندازه اثرات متغیرهای مستقل بر ادغام مهاجران برحسب متغیر تعدیل‌گر دوره‌های زمانی مختلف را نشان می‌دهد. در متغیر تحصیلات، نتایج متغیر تعدیل‌گر دوره‌های زمانی نشان می‌دهد که تأثیر تحصیلات بر ادغام مهاجران در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ (با اندازه اثر  $0/31$ ) بیشتر از دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۹ (با اندازه اثر  $0/20$ ) می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که به احتمال زیاد مهاجران ایرانی در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰

تحصیلات بیشتری نسبت به مهاجران ایرانی در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ داشتند که توانسته بر ادغام بیشتر آن‌ها تاثیرگذار باشد. در متغیر سن مهاجران، نتایج متغیر تعدیل گر نشان می‌دهد که اندازه اثرات سن مهاجران در دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۰ (با اندازه اثر ۰/۱۸-) بیشتر بر ادغام مهاجران نسبت به دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ (با اندازه اثر ۰/۱۱-) تأثیر می‌گذارد. در متغیر مهارت‌های زبانی هم نتایج نشان می‌دهد که تأثیر این متغیر بر ادغام مهاجران در دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۰ (با اندازه اثر ۰/۱۹) بیشتر از دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ (با اندازه اثر ۰/۱۶) می‌باشد. در متغیر مدت اقامت، نتایج متغیر تعدیل گر نشان می‌دهد که اندازه اثرات مدت اقامت مهاجران در دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۰ (با اندازه اثر ۰/۲۰) بیشتر بر ادغام مهاجران نسبت به دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ (با اندازه اثر ۰/۱۴) تأثیر می‌گذارد.

جدول شماره ۴: اندازه اثرات عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران بر حسب متغیر تعدیل گر دوره‌های زمانی مختلف

عناصر سرمایه انسانی	دوره زمانی	تعداد مطالعه	اثرات ترکیبی ثابت	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	آزمون همگنی
تحصیلات	۲۰۰۹-۲۰۱۰	۵	۰/۳۰*	۰/۲۷-۰/۳۷	۰/۳۱*	۰/۲۲-۰/۳۹	۲۱/۴*
	۲۰۱۰-۲۰۱۹	۱۳	۰/۲۶*	۰/۲۵-۰/۲۷	۰/۲۰*	۰/۱۳-۰/۲۶	۴/۱*
	اندازه اثر کل	۱۸	۰/۲۶*	۰/۲۵-۰/۲۷	۰/۲۳*	۰/۱۸-۰/۲۸	۱۳۴۸/۸*
سن مهاجران	۲۰۰۹-۲۰۱۰	۵	-۰/۱۸*	-(۰/۲۲-۰/۱۴)	-۰/۱۸*	-(۰/۲۲-۰/۱۴)	۴/۹
	۲۰۱۰-۲۰۱۹	۱۰	-۰/۱۱*	-(۰/۱۲-۰/۱۱)	-۰/۱۱*	-(۰/۱۲-۰/۱۱)	۸/۷
	اندازه اثر کل	۱۵	-۰/۱۲*	-(۰/۱۲-۰/۱۱)	-۰/۱۲*	-(۰/۱۴-۰/۱۰)	۲۵/۳*
مهارت‌های زبانی	۲۰۰۹-۲۰۱۰	۵	۰/۱۸*	۰/۱۴-۰/۲۱	۰/۱۹*	۰/۱۲-۰/۲۵	۱۱/۱*
	۲۰۱۰-۲۰۱۹	۶	۰/۱۷*	۰/۱۵-۰/۲۰	۰/۱۶*	۰/۱۲-۰/۲۰	۱۱/۴*
	اندازه اثر کل	۱۱	۰/۱۸*	۰/۱۵-۰/۱۹	۰/۱۷*	۰/۱۳-۰/۲۰	۲۲/۵*
مدت اقامت	۲۰۰۹-۲۰۱۰	۴	۰/۲۰*	۰/۱۶-۰/۲۵	۰/۲۱*	۰/۱۵-۰/۲۶	۴/۲
	۲۰۱۰-۲۰۱۹	۷	۰/۱۳*	۰/۱۳-۰/۱۴	۰/۱۴*	۰/۱۰-۰/۱۸	۸/۴۷*
	اندازه اثر کل	۱۱	۰/۱۴*	۰/۱۳-۰/۱۵	۰/۱۶*	۰/۱۳-۰/۲۰	۱۲۹/۳*

\* معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد.

جدول ۵ اندازه اثرات متغیرهای مستقل بر ادغام مهاجران بر حسب متغیر تعدیل گر کشورهای میزبان مهاجران را نشان می‌دهد. در متغیر تحصیلات، نتایج متغیر تعدیل گر دوره‌های زمانی نشان می‌دهد که تأثیر تحصیلات بر ادغام مهاجران ایرانی در کشورهای آسیایی و استرالیا (با اندازه اثر ۰/۳۳) بیشتر از کشورهای آمریکای شمالی (با اندازه اثر ۰/۲۳) و کشورهای اروپایی (با اندازه اثر ۰/۲۱) می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که یا مهاجران با تحصیلات بالاتری به کشورهای آسیایی و استرالیا می‌روند و یا آموزش‌های شغلی و تحصیلات به سهولت بیشتری در دسترس مهاجران ایرانی در کشورهای آسیایی و استرالیا قرار می‌گیرد.

در متغیر سن مهاجران، نتایج اندازه اثرات برحسب متغیر تعدیل‌گر نشان می‌دهد که تأثیر سن بر ادغام مهاجران ایرانی در کشورهای آسیایی و استرالیا (با اندازه اثر ۰/۲۱-) بیشتر از کشورهای اروپایی (با اندازه اثر ۰/۱۲-) و کشورهای آمریکای شمالی (با اندازه اثر ۰/۱۰-) می‌باشد. این نتایج حکایت از این دارد که مهاجران ایرانی در کشورهای آسیایی و استرالیا دارای سن بیشتری هستند و این باعث شده است که تأثیر سن بر ادغام مقدار بیشتری را نسبت به کشورهای دیگر جهان نشان دهد.

نتایج متغیر تعدیل‌گر نشان می‌دهد که تأثیر مهارت‌های زبانی بر ادغام مهاجران ایرانی در کشورهای آسیایی و استرالیا (با اندازه اثر ۰/۲۰) بیشتر از کشورهای آمریکای شمالی (با اندازه اثر ۰/۱۷) و کشورهای اروپایی (با اندازه اثر ۰/۱۶) می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که مهاجران در کشورهای آسیایی و استرالیا مهارت‌های مناسب زبانی کشورهای میزبان را دارا می‌باشند و این توانایی تأثیر بیشتری بر ادغام مهاجران ایرانی می‌گذارد. این در حالی است که مهاجران در کشورهای اروپایی نسبت به سایر کشورها دارای کمترین میزان مهارت زبانی می‌باشند که باعث تأثیر کمتر بر سطح ادغام مهاجران ایرانی می‌شود.

در متغیر مدت اقامت، نتایج متغیر تعدیل‌گر نشان می‌دهد که تأثیر مدت اقامت بر ادغام مهاجران ایرانی در کشورهای آسیایی و استرالیا (با اندازه اثر ۰/۱۷) بیشتر از کشورهای اروپایی (با اندازه اثر ۰/۱۶) و کشورهای آمریکای شمالی (با اندازه اثر ۰/۱۱) می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که مهاجران در کشورهای آسیایی و استرالیا مدت بیشتری اقامت داشته‌اند و این اقامت طولانی‌تر بر ادغام آن‌ها تأثیر گذاشته است. بعد از آن، میزان ادغام مهاجران در کشورهای اروپایی دارای بیشترین میزان است که باعث تأثیر بیشتر مدت اقامت بر ادغام مهاجران، نسبت به کشورهای آمریکای شمالی می‌باشد.

جدول شماره ۵: اندازه اثرات عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران برحسب متغیر

#### تعدیل‌گر کشورهای میزبان مهاجران

عناصر سرمایه انسانی	آماره‌ها کشورهای میزبان مهاجران	تعداد مطالعه	اثرات ترکیبی ثابت	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	آزمون همگنی
تحصیلات	اروپا	۱۱	۰/۲۵*	۰/۲۴-۰/۲۵	۰/۲۱*	۰/۱۲-۰/۲۹	۱۲۱۷/۱*
	آسیا و اقیانوسیه	۳	۰/۳۳*	۰/۲۸-۰/۳۷	۰/۳۳*	۰/۱۹-۰/۴۴	۱۵/۹*
	آمریکای شمالی	۴	۰/۲۹*	۰/۲۸-۰/۳۰	۰/۲۳*	۰/۱۵-۰/۳۱	۲۵/۱*
	اندازه اثر کل	۱۸	۰/۲۶*	۰/۲۵-۰/۲۷	۰/۲۳*	۰/۱۸-۰/۲۸	۱۳۴۸/۸*

عناصر سرمایه انسانی	آماره‌ها کشورهای میزبان مهاجران	تعداد مطالعه	اثرات ترکیبی ثابت	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	آزمون همگنی
سن مهاجران	اروپا	۱۰	$-0/12^*$	$-0/12-0/11$	$-0/12^*$	$-0/14-0/10$	$14/6^*$
	آسیا و اقیانوسیه	۲	$-0/21^*$	$-0/28-0/15$	$-0/21^*$	$-0/29-0/13$	$1/4$
	امریکای شمالی	۳	$-0/10^*$	$-0/14-0/06$	$-0/10^*$	$-0/14-0/06$	$1/1$
	اندازه اثر کل	۱۵	$-0/12^*$	$-0/12-0/11$	$-0/12^*$	$-0/14-0/10$	$25/3^*$
مهارت‌های زبانی	اروپا	۶	$0/17^*$	$0/14-0/20$	$0/16^*$	$0/11-0/21$	$12/7^*$
	آسیا و اقیانوسیه	۳	$0/19^*$	$0/14-0/23$	$0/20^*$	$0/10-0/26$	$9/1^*$
	امریکای شمالی	۲	$0/18^*$	$0/13-0/21$	$0/17^*$	$0/13-0/21$	$7/1^*$
	اندازه اثر کل	۱۱	$0/18^*$	$0/15-0/19$	$0/17^*$	$0/13-0/20$	$22/5^*$
مدت اقامت	اروپا	۶	$0/14^*$	$0/13-0/15$	$0/16^*$	$0/11-0/20$	$11/7^*$
	آسیا و اقیانوسیه	۳	$0/18^*$	$0/13-0/22$	$0/17^*$	$0/06-0/28$	$11/5^*$
	امریکای شمالی	۲	$0/11^*$	$0/03-0/19$	$0/11^*$	$0/02-0/24$	$15/5^*$
	اندازه اثر کل	۱۱	$0/14^*$	$0/13-0/15$	$0/16^*$	$0/13-0/20$	$129/2^*$

\* معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

ادغام مهاجران یک موضوع مهم هم برای جامعه فرستنده و هم برای جامعه پذیرنده و هم خود مهاجران می‌باشد. ادغام مهاجران برای کشورهای فرستنده و پذیرنده می‌تواند فرصت‌های جدید و متنوعی برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم نماید. کشورهای پذیرنده مهاجران که بیشتر شامل کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی می‌شوند موضوع ادغام مهاجران را در دوره‌های منظم زمانی بررسی و تحلیل می‌کنند تا با این کار به شناسایی و سنجش پیامدهای ادغام، سیاست‌های ادغام و سایر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر اثربخشی ادغام، توصیف فواید واقعی و بالقوه‌ی این سیاست‌ها بپردازند. با توجه به اهمیت این مساله، در این مطالعه به بررسی ادغام مهاجران ایرانی در کشورهای مقصد مهاجرت با روش فراتحلیل پرداخته شد تا وضعیت ادغام مهاجران ایرانی و تأثیر عناصر سرمایه انسانی بر آن براساس تحقیقات دو دهه‌ی گذشته تحلیل شود.

نتایج تحقیق نشان داد که از عناصر سرمایه انسانی، متغیرهای تحصیلات و مهارت‌های زبانی بیشتر از مدت اقامت و سن مهاجران بر ادغام مهاجران ایرانی تأثیرگذار بودند. مهارت‌ها و

توانایی‌های یادگیری شده و برخی ویژگی‌های سلامت افراد مثل سلامت جسمانی، احساسی و ذهنی توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) به‌عنوان جنبه‌هایی از سرمایه انسانی در نظر گرفته می‌شود. بکر (۱۹۹۳) خاطر نشان می‌کند که بهره‌وری برخی از کارکنان هم بخاطر مهارت‌ها و آموزش‌های بالای آن‌ها و هم بخاطر شرایط سلامتی آن‌ها می‌باشد. به‌طور کلی باید بیان کرد که آموزش، تجربه کاری و سلامت افراد به‌عنوان شاخص‌های سرمایه انسانی در تحقیقات تجربی مدنظر قرار می‌گیرند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که هرچه مهاجران ایرانی تحصیلات، مهارت‌های زبانی و مدت اقامت بیشتری داشته باشند، سطوح بالاتری از ادغام اقتصادی و اجتماعی را تجربه می‌کنند. همچنین مطابق نظریه سرمایه انسانی، سن مهاجران با ادغام آن‌ها رابطه عکس دارد. نتایج تحقیق حاضر هم در راستای نتایج تحقیقات پیشین (یانگ، ۲۰۱۸؛ کوشنیروویچ، ۲۰۱۸؛ رضا و همکاران، ۲۰۱۳؛ اکبری، ۲۰۱۱؛ بوزدوگان و هالی، ۲۰۰۹؛ مرالی و وایلیتو، ۲۰۰۲؛ کاتلین، ۱۹۹۸) است.

نتایج اندازه اثر عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران ایرانی برحسب متغیر تعدیل‌گر دوره‌های زمانی نشان می‌دهد که تأثیر عناصر سرمایه انسانی (نظیر تحصیلات، مهارت‌های زبانی، سن مهاجران، مدت اقامت) در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ بیشتر از دوره‌ی زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ است. این نتایج نشان می‌دهد که مهاجران ایرانی دوره‌ی ۲۰۰۰-۲۰۰۹ دارای تحصیلات و مهارت‌های بیشتری و سن کمتر، نسبت به مهاجران ایرانی در دوره‌ی ۲۰۱۰-۲۰۱۹، بوده‌اند. نتایج برخی گزارش‌ها مؤید این ادعا می‌باشند، به‌طور مثال، گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۲۰) حکایت از این دارد که درصد مهاجران ایرانی شاغل در مشاغل ساده و بدون مهارت در کشورهای عضو این سازمان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ افزایش یافته است. این در حالی است که درصد مهاجران ایرانی شاغل در بخش مدیران ارشد طی این سال‌ها کاهش پیدا کرده است. همچنین داده‌های یونسکو<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی ایرانی در قیاس با نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان کندتر بوده است. بدین ترتیب، سهم دانشجویان فرستی ایران از کل بازار دانشجویان بین‌المللی جهان از سال ۲۰۱۲ روندی کاهشی به خود گرفته و از حدود ۱/۳ درصد به حدود ۰/۹ درصد رسیده است.

درباره تفاوت نوع مهاجران و تأثیر بیشتر عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران در دوره‌ی ۲۰۰۰-۲۰۰۹، نسبت به دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹؛ باید به تحریم‌های شدید اقتصادی از سال ۲۰۱۰ به بعد اشاره کرد. به نظر می‌رسد در دوره‌ی ۲۰۰۰-۲۰۰۹ روند مهاجرت‌های ایرانیان منطقی و قابل پیش‌بینی بود. بیشتر افراد تحصیل‌کرده و دارای تمکن مالی اقدام به مهاجرت می‌کردند و به خاطر برخورداری بیشتر از عناصر سرمایه انسانی (مثل تحصیلات، مهارت زبانی یا تجربه کاری)،

1. Organization for Economic Co-operation and Development  
2. UNESCO



بهبتر در جامعه میزبان ادغام می‌شدند. ولی بعد از ۲۰۱۰ و به خاطر تحریم‌های اقتصادی ناشی از برنامه‌های هسته‌ای ایران، افراد بیشتری و متنوع‌تری از ایران تصمیم به مهاجرت گرفتند. تحریم‌های باعث کاهش درآمدهای دولت، افزایش هزینه مبادلات بین‌المللی و کاهش تولیدات و افزایش بیکاری در سطح جامعه ایران شد. همچنین این تحریم‌ها باعث شد که یک جو ناامیدی و عدم اطمینان از آینده در مردم ایران ایجاد شود و افراد بیشتر و متنوع‌تری تصمیم به مهاجرت بگیرند. به‌طور حتم، همه‌ی این افراد دارای عناصر سرمایه انسانی قابل قبولی نبودند و این باعث شد که تأثیر عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران ایرانی در دوره‌ی بعد از ۲۰۱۰ کمتر از قبل آن باشد.

نتایج اندازه اثر عناصر سرمایه انسانی بر ادغام مهاجران ایرانی برحسب متغیر تعدیل‌گر کشورهای مقصد مهاجرت نشان می‌دهد که تأثیر عناصر سرمایه انسانی (تحصیلات، مهارت‌های زبانی، سن مهاجران، مدت اقامت) در کشورهای آسیایی و استرالیا بیشتر از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی است. آزادی و همکاران (۲۰۲۰) یکی از دلایل مهم مهاجرت ایرانیان را نابرابری درآمدی بیان کرده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که تفاوت درآمد یک فرد شاغل در ایالات متحده و کانادا با یک فرد شاغل در ایران ۱۰ برابر و این تفاوت برای یک فرد شاغل در کشورهایی مثل ترکیه و مالزی حدود ۳ برابر می‌باشد. همچنین با رشد و توسعه کشورهای آسیایی مثل مالزی، قطر، امارات و چین، تمایل مهاجرت افراد تحصیل کرده به این کشورها بیشتر شده است. برای مثال گزارش یونسکو (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که تعداد دانشجویان ایرانی در مالزی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۱ با افزایش چشمگیری همراه بوده است و از ۱۲۲ نفر به ۹ هزار و ۳۱۱ نفر افزایش یافته است اما این روند بعد از سال ۲۰۱۱ با روندی کاهشی همراه بوده است. نتایج تحقیق کاظمی و همکاران (۲۰۱۸) بر روی دانشجویان ایرانی محصل در مالزی حکایت از این دارد که هزینه پایین تحصیل و زندگی در این کشور، حضور شرکت‌های بین‌المللی در مالزی، فناوری‌های آموزشی منحصربه‌فرد در دانشگاه‌ها، ورود آسان به دانشگاه‌ها و آزادی‌های اجتماعی بیشتر نسبت به ایران، از دلایل اصلی مهاجرت دانشجویان ایرانی به این کشور بوده است. علاوه بر این موارد می‌توان به سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای آسیایی و کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی اشاره کرد. در کشورهای آسیایی روند پذیرش مهاجر به راحتی بیشتری صورت می‌گیرد و مدارک تحصیلی مهاجران در ایران کسب کرده‌اند دارای اعتبار است ولی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی سخت‌گیری بیشتری نسبت به مدارک تحصیلی اخذ شده در ایران وجود دارد و در برخی موارد این مدارک مورد قبول کشورهای مقصد قرار نمی‌گیرد. همچنین مهاجران در کشورهای آسیایی مثل مالزی، امارات و قطر، در مقایسه با کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، از نظر فرهنگی و مذهبی احساس نزدیکی و قرابت بیشتری می‌کنند و این نزدیکی می‌تواند زمینه‌های ادغام بیشتر این مهاجران را در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه میزبان فراهم نماید.

به‌طور کلی باید بیان کرد که هرچه عناصر سرمایه انسانی مهاجران ایرانی بیشتر باشد، ادغام اقتصادی و اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد. این فرایند ادغام در دوره‌های زمانی که مهاجران دارای سرمایه انسانی بالا هستند، بهتر اتفاق می‌افتد. همچنین در کشورهایی که سیاست‌های ادغام سخت‌گیرانه‌تری برای پذیرش مدارک تحصیلی و آموزش مهارت شغلی دارند (مثل کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی)، ادغام مهاجران ایرانی با سختی بیشتری رخ می‌دهد. نتایج این تحقیق دلالت‌های سیاستی برای ادغام مهاجران ایرانی دارد. این دلالت‌های هم به جامعه مبدأ و هم به جامعه مقصد مربوط می‌شود. برای جامعه مقصد باید بیان کرد که می‌توان با برخی سیاست‌های روند ادغام مهاجران، به‌خصوص مهاجران ایرانی را افزایش داد. کشورهای مقصد، به‌خصوص کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، باید با افزایش خدمات شغلی و توسعه امنیت اجتماعی احتمال شغلیابی و امنیت درآمدی را در بخش‌های رسمی و غیررسمی اقتصاد ارتقا دهند. همچنین با توجه به جذب بیشتر مهاجران با سرمایه انسانی پایین در بخش غیررسمی بازار کار، باید برنامه‌های آموزشی و خدمات تحصیلی برای مهاجران ارائه شود (رضا و همکاران، ۲۰۱۳). از آنجا که مهاجران کشورهای آسیایی، به‌خصوص مهاجران ایرانی، یک گروه همگن نیستند، هر برنامه آموزشی یا تحصیلی برای آمادگی شغلی آن‌ها باید بر اساس سطح تحصیلات و سایر خصوصیات جمعیت‌شناختی طراحی شود. یوسل (۲۰۱۶) بیان می‌کند که مشوق‌های مالی برای کارفرمایان برای ارائه فرصت‌های آموزشی به کارگران بخش غیررسمی باید اجرا شود. این امر ممکن است با ترویج دسترسی برابر به برنامه‌های آموزشی برای کارگران با وضعیت نامناسب و محروم حاصل شود. سیاست‌های با هدف حل مشکل تشخیص اعتبارنامه نیز ممکن است به مهاجران کمک کند. از آنجا که سرمایه‌های انسانی مهاجران به‌طور کلی در بازار کار کمتر ارزیابی می‌شوند، تغییرات سیاست با هدف شناسایی مدارک و اعتبارنامه‌های خارجی ممکن است برخی از تبعیض‌هایی را که در این روند رخ می‌دهد، برطرف کند. برای کشورهای مبدأ باید بیان کرد که مؤسسات و نهادهای مرتبط با مهاجرت باید مشاوره‌های لازم را درباره کشورهای مقصد به مهاجران ارائه کند تا آن‌ها با توجه به مهارت‌های شغلی، زبانی و تحصیلات خود تصمیم به مهاجرت به کشوری بگیرند که احتمال ادغام آن‌ها در آنجا بیشتر باشد.

## منابع

- علال‌الدینی، پویا، میرزایی، آمنه. (۱۳۹۷). ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه‌ی موردی محله‌ی هرنندی در تهران، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (نامه علوم اجتماعی)، دوره ۸، شماره ۱، ۲۵-۷.
- میرزائی، حسین. (۱۳۹۹). زمینه‌های پیدایش و ادغام فرهنگی - اجتماعی مهاجران ایرانی در فرانسه، دوره ۲۷، علوم اجتماعی، شماره ۸۸، ۲۵-۷۰.
- Aguilera, M. B. (2003). 'The impact of the worker: how social capital and human capital influence the job tenure of formerly undocumented Mexican immigrants.' *Sociological Inquiry*, 73(1): 52-83.
- Akbari, A.H. (2011). Labor Market Performance of Immigrants in Smaller Regions of Western Countries: Some Evidence from Atlantic Canada. *Int. Migration & Integration* 12, 133-154.
- Algan, Y., C. Dustmann, A. Glitz and A. Manning (2010), The Economic Situation of First- and Second-Generation Immigrants in France, Germany, and the UK, *Economic Journal*, 120 (542), F4 - F30.
- I lgan, Y., C. Dustmann, ee Glitz, and A. Manning. (2010). "The Economic Situation of First and Second Generation Immigrants in France, Germany and the United Kingdom." *Economic Journal* 120 (542): 4-30.
- Azadi, P. Mirramezani, M. M. Mesgaran, B. (2020). **Migration and Brain Drain from Iran**, Working Paper 9, Stanford Iran 2040 Project, Stanford University.
- Bates, T. (1997). **Race, self-employment, and upward mobility: An elusive American dream**. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Becker, G. (1971). **The Economics of Discrimination**. 2nd ed. Chicago: University of Chicago Press.
- Beek, M. & Fleischmann, F. (2019): Religion and integration: does immigrant generation matter? The case of Moroccan and Turkish immigrants in the Netherlands, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-23.
- Bevelander, P. (1999). The employment integration of immigrants in Sweden. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 25(3), 445-468.
- Bevelander, P. and J. Veenman. (2004). 'Variation in Perspective: The Employment Success of Ethnic Minority Males in the Netherlands 1988-2002.' *International Migration* 42(4): 36- 64.
- Bilodeau, A & White, S. (2015): Trust among recent immigrants in Canada: levels, roots and implications for immigrant integration, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 42, 1-22.
- Blau, F.D., Kahn, L.D. and K.L. Papps (2011), \_Gender, source country characteristics, and labor market assimilation among immigrants, *Review of Economics and Statistics*, 93, 43-58.
- Bleakley, H. (2010). Health, Human Capital, and Development. *Annual Review of Economics*, 2(1), 283-310.
- Borenstein, M, Hedges, L, Higgins, J, Rothstein, H (2009), **Introduction to Meta-Analysis**, UK: Wiley & Sons publication.

- Buzdugan, R. and Halli, S.S. (2009), Labor Market Experiences of Canadian Immigrants with Focus on Foreign Education and Experience1. **International Migration Review**, 43: 366-386.
- Byoun, S. J. (2014). **The impact of human capital and social capital on employment conditions of immigrants in the United States: an examination of gender and racial/ethnic differences** (Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign).
- Castles, S. and M. J. Miller (2009). **The Age of Migration**. Houndmills, Basingstoke, Hampshire and London: MacMillan Press Ltd.
- Chiswick, B. R., and P. W. Miller. (2007). “**Modeling Immigrants’ Language Skills**.” In Immigration (Research in Labor Economics, Volume 27), edited by B. R. Chiswick, 75–128. Bingley: Emerald Group.
- Chiswick, B. R., Cohen, Y., & Zach, T. (1997). The labor market status of immigrants: Effects of the unemployment rate at arrival and duration of residence. **Industrial & Labor Relations Review**, 50(2), 289-303.
- Cohen, J. (1977). **Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences**: (Rev. Ed). New York: Academic Press
- Cohen, P. N., & Bianchi, S. M. (1999). Marriage, children, and women’s employment: What do we know? **Monthly Labor Review**, 122, 22-31.
- Cooper, H. M. (2009). **Research synthesis and meta-analysis: A step-by-step approach**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Dustmann, C. and I. Preston (2007), Racial and economic factors in attitudes to immigration, B.E. **Journal in Economic Analysis and Policy**, 7, 1, 1935-1682.
- Dustmann, C., & Van Soest, A. (2002). Language and the Earnings of Immigrants. **Industrial & Labor Relations Review**, 55(3), 473-492.
- Edwards, A. C, & Ureta, M. (2003). International Migration, Remittances, and Schooling: Evidence from El Salvador. **Journal of Development Economics**, 72(2), 429-461.
- Eide, E. R., & Showalter, M. H. (2010). Human capital. In **International Encyclopedia of Education**, 3rd ed., 282–287.
- Espenshade, T., & Fu, H. (1997). English-language proficiency among U.S. Immigrants. **American Sociological Review**, 62(2), 288-305.
- Evans, M. D. R. (1989). Immigrant entrepreneurship: Effects of ethnic market size and isolated labor pool. **American Sociological Review**, 54, 950-962.
- Finnie, R., & Meng, R. (2002). Minorities, cognitive skills and incomes of Canadians. **Canadian public policy**, 23(2), 257-272.
- Fitz-enz, J. (2000). **The ROI human capital: Measuring the economic value of employee performance**. New York: American Management Association.
- Friedberg, R. M. (2000). ‘You Can’t Take It with You? Immigrant Assimilation and the Portability of Human Capital.’ **Journal of Labor Economics** 18(2): 221-51.
- Gathmann, N. Keller C. (2017). **Citizenship and Social Integration**, IZA Working Paper, Institute of Labor Economics.
- George, U., & Chaze, F. (2009). **Social capital and employment**: South Asian women’s experiences. *Affiliate*, 24(4), 394–405.

- Granovetter, M. (1973). The strength of weak ties: network theory revisited. **The American Journal of Sociology**, 18(40), 279–288.
- Hildebrandt, N., & McKenzie, D. (2005). **The Effects of Migration on Child Health in Mexico**. (World Bank Policy Research Paper No. 3573). <https://doi.org/10.1596/1813-9450-3573>.
- Kahn, K., Collison, M., Tollman, S., Wolff, B., Garenne, M., & Clark, S. (2003). Health Consequences of Migration: Evidence from South Africa's Rural Northeast (Agincourt). Paper presented at the **Conference on African Migration in Comparative Perspective**, 1-26.
- Kanas, A., & van Tubergen, F. (2009). The impact of origin and host country schooling on the economic performance of immigrants. **Social Forces**, 88(2), 893-916.
- Kathleen V. (1998). Resettlement of Middle Eastern Refugees in Finland: The Elusiveness of Integration, **Journal of Refugee Studies**, 11(1), 38–60.
- Kazemi, A., Baghbanian, A., Maymand, M. M., & Rahmani, H. (2018). Contributing Factors to Migration Growth Among Iranian Students: Drivers of Migration to Malaysia. **Journal of International Migration and Integration**, 19(3), 757–770. <https://doi.org/10.1007/s12134-018-0567-z>.
- Kazemipur, A., Nakhaie, M.R. (2014). The Economics of Attachment: Making a Case for a Relational Approach to Immigrants' Integration in Canada. **Int. Migration & Integration** 15, 609–632.
- Klugman, J. (2009). **Human Development Report 2009**. Overcoming Barriers: Human Mobility and Development. UNDP-HDRO Human Development Reports. Retrieved from [http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/269/hdr\\_2009\\_en\\_complete.pdf](http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/269/hdr_2009_en_complete.pdf)
- Kushnirovich, N. (2019). Labor Market Integration of Skilled Immigrants. **Int. Migration & Integration** 20, 1055–1070.
- Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). **Practical meta-analysis**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Littell, J. H. Corcoran, J, Pillai, V. (2008). **Systematic reviews and meta-analysis**, New York: Oxford University Press.
- Merali, N., Violato, C. (2002). Relationships between demographic variables and immigrant parents' perceptions of assimilative adolescent behaviours. **Int. Migration & Integration** 3, 65–81.
- Nee, V., & Sanders, J. (2001). Understanding the diversity of immigrant incorporation: a forms- of-capital model. **Ethnic and Racial Studies**, 24(3), 386-411.
- OECD (2020). **International Migration Outlook 2019**, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/c3e35eeccen>.
- Penninx R., Garcés-Mascareñas B. (2016) **The Concept of Integration as an Analytical Tool and as a Policy Concept**. In: Garcés-Mascareñas B., Penninx R. (eds) *Integration Processes and Policies in Europe*. IMISCOE Research Series. Springer.
- Pigott, T. D. (2012). **Advances in Meta-Analysis**. New York: Springer.

- Purdam, K., R. Afkhami, A. Crockett, and W. Olsen. (2007). "Religion in the UK: An Overview of Equality Statistics and Evidence Gaps." **Journal of Contemporary Religion** 22 (2): 147–168.
- Raza, M., Beaujot, R. & Woldemicael, G. (2013). Social Capital and Economic Integration of Visible Minority Immigrants in Canada. **Int. Migration & Integration** 14, 263–285.
- Ryan, L., Sales, R., Tilki, M., & Siara, B. (2008). Social networks, social support and social capital: the experiences of recent polish migrants in London. **Sociology**, 42(4), 672–690.
- Schapiro L. (1919). The physical and economic benefits of treatment for hookworm disease. **Economics**. 73(20):1507–9.
- Scheve, K.F. and M.J. Slaughter (2001), Labor market competition and individual preferences over immigration policy. **Review of Economics and Statistics**, 83, 133-45
- Schultz, T. W. (1961). **Education and economic growth**. In N. B. Henry (Ed.), *Social forces influencing American education* (pp. 46-88), Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Schultz, T. W. (1963). **The economic value of education**. New York: Columbia University Press.
- Schwarzer, R., Hahn, A. and Schröder, H. (1994), Social integration and social support in a life crisis: Effects of macrosocial change in east Germany. **American Journal of Community Psychology**, 22: 661-683.
- Thomas D, Frankenberg E, Friedman J, Habicht J-P, Hakimi M, et al. (2003). **Iron deficiency and the well-being of older adults: early results from a randomized nutrition intervention**. Unpublished manuscript, Univ. Calif., Los Angeles.
- Tsang, W.Y. (2015). Integration of Immigrants: The Role of Ethnic Churches. **Int. Migration & Integration** 16, 1177–1193.
- UNESCO Institute for Statistics. (2020b). **Inbound internationally mobile students by continent of origin**. Retrieved from <https://data.uis.unesco.org/>
- Valade, M.Y. (2019). Influence of Integrative Social Capital on the Resilience of Immigrant Families: Accounts of Economic Class Immigrants in the Toronto Area. **Int. Migration & Integration**. <https://doi.org/10.1007/s12134-019-00728-2>.
- Van Tubergen, F., & Kalmijn, M. (2005). Destination-Language Proficiency in Cross-National Perspective: A Study of Immigrant Groups in Nine Western Countries I. **American Journal of Sociology**, 110(5), 1412-1457.
- Vargas-Silva, C., & Fernández-Reino, M. (2019). **Migrants and Housing in the UK: Experiences and Impacts (Migration Observatory Briefing)**. United Kingdom: University of Oxford. Retrieved from <https://migrationobservatory.ox.ac.uk/wp-content/uploads/2016/04/Briefing-Migrants-and-Housing-in-the-UK-Experiences-and-Impacts.pdf>
- Weisbrod BA, Andreano RL, Baldwin RE, Epstein EH, Kelley AC. (1973). **Disease and Economic Development: The Impact of Parasitic Diseases in Saint Lucia**. Madison: Univ. Wisconsin Press

- World Bank. (2020). **Migration and Remittances Data**. Retrieved from World Bank: <https://www.worldbank.org/en/topic/migrationremittancesdiasporaissues/brief/migration-remittances-data>.
- Yang, D. (2008). International migration, Human Capital and Entrepreneurship: Evidence from Philippine Migrant's Exchange Rate Shocks. **The Economic Journal**, 118(528), 591-630.
- Yang, K. (2018). Unequal Chance of Obtaining a Secure Job: Marriage Migrant Women in the Korean Labor Market. **Int. Migration & Integration** 19, 91-110.
- Yücel, A. (2016). **The impact of Human Capital and Social Capital on the Immigrants Employment Participation in the Netherlands**, Master Economics Thesis, Netherlands: Radboud university.
- Zeng, Z. and Y. Xie. (2004). 'Asian-Americans. Earnings Disadvantage Reexamined: The Role of Place of Education.' **American Journal of Sociology** 109(5): 1075-108.
- Zhou, M., & Logan, J. R. (1989). Returns on human capital in ethnic enclaves: New York City's Chinatown. **American sociological review**, 809-820.

